

سوداگران مرگ

منصور بیطرف
دبیر گروه
اقتصادی

کدام کشورها در جنگ ایران و عراق سود بردند و توانستند اقتصاد خودشان را سر و سامان دهند؟ ۸ سال جنگ برای دو کشوری که تنها منبع ارزی آنها نفت بوده و در این جنگ منابع نفتی آنها هم مورد ضربه قرار گرفته بدون شک کشورهایی بوده‌اند که بدون توجه به این مسأله از قبل آن منافع خود را تأمین می‌کرده‌اند یا درصدد تأمین منافع خود بوده‌اند. نگاهی به آن دوره می‌تواند ما را تا حدی راهنمایی کند که آن کشورها کدام بوده‌اند؟ در این دوره کشورهایی بودند که نه وارد جبهه عراق شدند و نه جبهه ایران - مثل ترکیه - که بنا به شواهد تاریخی در این ۸ سال هم به عراق صادرات می‌کردند و هم به ایران و در واقع بستر اقتصاد فعلی خود را از محل این جنگ فراهم ساختند. کشورهایی هم بودند که عراق حمایت می‌کردند و در عین حال در جوامع بین‌المللی خودشان را بی‌طرف نشان می‌دادند و در این راه با تسلیحاتی که به عراق صادر می‌کردند عملاً خودشان را در جبهه این کشور قرار داده بودند. اما سؤال این است که آن کشورها چقدر تسلیحات، مواد شیمیایی و نیازهای اولیه جنگی به عراق صادر کردند؟ یا کدام کشورها بودند که از محل این جنگ، اقتصاد خودشان را ساختند و روبه راه کردند؟

در سال ۱۹۹۲، کتابی در امریکا منتشر شد که پشت پرده کمک‌های تسلیحاتی به عراق را فاش می‌ساخت. نویسنده این کتاب «کننت آر. تیمرمن»، نویسنده، سیاستمدار و فعال حزبی - جمهوریخواه- امریکایی است. نام این کتاب «لایبی مرگ: چگونه غرب عراق را مسلح کرد» بود. در ایران این کتاب با عنوان «سوداگری مرگ: ناگفته‌هایی از جنگ ایران و عراق» در سال ۱۳۸۲ با ترجمه احمد تدین چاپ شد. این کتاب حدود ۱۰ سال قبل از سقوط صدام حسین نوشته شد و بنابراین بخش‌های آخر این کتاب عملاً با شرایطی که طی ۱۰ سال با سقوط صدام حسین همراه بود همخوانی زیادی دارد، یعنی آنکه چگونه می‌توان افکار عمومی جهان و از جمله امریکا را آماده برای حمله دیگری به عراق ساخت همراه بوده است. این کتاب با استناد به اسناد و روایت‌های تاریخی، نکات تازه‌ای را مطرح می‌سازد و آن اینکه غربی‌ها چگونه نه تنها صدام حسین را مسلح کردند و او را به سمت جنگ با ایران سوق دادند بلکه در طول جنگ هم تأمینش می‌کردند. جنگ عراق با ایران که طولانی‌ترین جنگ قرن را به خود اختصاص داد پشت پرده‌های فراوانی دارد که بتدریج تک تک پرده‌های آن فرو می‌ریزد. اینکه صدام چگونه وارد جنگ با ایران شد و حمایت‌های کدام کشورهای غربی و عربی را جلب کرد. چگونه امیدهایش با مقاومت مردم ایران به باد رفت به طوری که آرزوهایش را با تسخیر کویت خواست احیا کند و در آخر سر چگونه همه رؤیاهایش مانند برف آب شد، جزو داستان‌هایی است که خواندنش و شنیدنش مانند داستان‌های هزار و یکشب تمام شدنی نیست. صدام بنا بر روایت این کتاب با اتکا به غرب وارد جنگ با ایران شد. براساس این کتاب رشد صادرات فناوری‌های پیشرفته به عراق در ایام جنگ با ایران شدت می‌گیرد. نمودار ۱ که در این کتاب و از منبع «او ای سی دی» برداشت شده است نشان می‌دهد که از سال ۱۳۶۳ تا پایان جنگ فناوری‌های پیشرفته‌ای که از سوی غرب به عراق صادر می‌شده است چقدر و به چه میزان افزایش یافته است. نکته قابل تأمل حضور پررنگ آلمان غربی در عراق است که بنا به نوشته این کتاب فقط در سال ۱۹۸۵ حدود ۱۵۰ شرکت آلمانی دفتر نمایندگی در بغداد تأسیس و دایر کردند. نمودار ۲ روند صدور فناوری‌های پیشرفته به عراق طی سال‌های جنگ تحمیلی را نشان می‌دهد. اما بد نیست که نگاهی هم به جنبه‌های دیگر این کتاب بیندازیم که نشان می‌دهد برخی از کشورها چگونه توانستند از محل این جنگ اقتصاد خود را احیا و توسعه دهند.

نمودار 1- صدور تکنولوژی های پیشرفته به عراق در سال های 1984-1989 (میلیون دلار)



نمودار 2- صدور تکنولوژی پیشرفته به عراق بر حسب نوع وسال (میلیون دلار)



یکی از کشورهایی که در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به خاطر ضعف ساختاری و کودتاهای پی‌درپی که در آن کشوری که تا خرخره زیر بار بدهی رفته بود، کشور برزیل بود. در این کتاب درباره برزیل و فرصتی که آن کشور از جنگ عراق علیه ایران برای حل مشکل بدهی‌های خود بهره برده بود نکات جالبی را آورده است. در فصل یازدهم کتاب «سوداگری مرگ - چنین آمده است: «برزیل تا خرخره زیر بار قرض بود. آن چنان که دیگر مشکل بازپرداخت قروض را از یاد برده بود. هر ساله تنها (فیقط) بیش از یک میلیارد دلار بهره قرض تازه برای این کشور روبه‌روز غریب در مورد برنامه‌های توسعه برزیل محتاط بودند و تهیه پول تازه برای این کشور روبه‌روز دشوارتر می‌شد. تنها نقطه امید برزیل، عراق بود که به پرتوپراس، شرکت ملی نفت برزیل امتیازهای فوق‌العاده‌ای داده بود و نیز بهترین بازار فروش اسلحه برزیلی محسوب می‌شد. باوجود اشغال جزیره مجنون توسط ایرانی‌ها و تعطیل شدن فعالیت‌های نفتی برزیل در آن جزایر، هنوز هم پرتوپراس به تنهایی بیش از سایر مشتریان از عراق نفت می‌خرید. برزیل روزانه ۱۶۰ هزار بشکه نفت عراق را از بندر اسکندرون ترکیه از خط لوله عراق دریافت می‌کرد. این میزان نفت حدود یک سوم نفت وارداتی برزیل را تشکیل می‌داد و ارزش سالانه آن به ۱٫۷ میلیارد دلار می‌رسید. اینترپراس جناح بازرگانی مجموعه شرکت‌های نفتی برزیلی، زمینه را برای فروش کالا به عراق فراهم می‌نمود تا بدهی عظیم برزیل به عراق را بدین طریق بازپرداخت نماید و درصدد بود هنگامی که مدت امتیاز نفتی پرتوپراس در مجنون پایان می‌گیرد بر فعالیت‌های تجاری خود در عراق بیفزاید.» اما برزیل تنها در بخش نفت فعالیت نمی‌کرد. در بخش‌های صنعتی هم وارد شده بود. در این کتاب آمده است: «در خارج از حیطه امپراطوری پرتوپراس، دو شرکت مندس جنوینو کرسراکتورا و فولکس واگن برزیل نیز با عراق قراردادهای بزرگ پایاپای امضا کردند. اولی در سال ۱۹۸۱ قرارداد ۱٫۲ میلیارد دلاری احداث خطوط راه‌آهن در عراق را امضا کرد.... دومی ۱۵۰ هزار فولکس واگن پاسات برزیل را خریداری کرد و در زمان جنگ میان افسران ارتش و مقام‌های دولتی توزیع کرد.»

در ادامه این مطلب آمده است که، اینترپراس در ازای پول نفت عراق طیف وسیعی از کالاها به عراق صادر می‌کرد که البته همه آنها مصارف نظامی و جنگی نداشتند. در سال ۱۹۸۴ شرکت‌های تابعه اینترپراس ۲۱۶ هزار تن شکر، ۳۰ هزار تن گوشت گوساله، ۵۴۲ هزار بسته گوشت یخ زده و ۱۲۰ هزار تن مرغ یخ زده به عراق صادر کردند. یکی از شرکت‌های تابعه به صدور آهن و فرآورده‌های آهنی از جمله میلگرد برای استفاده در ربن مسلح مبادرت کرد. یخچال، لوازم خانگی و باتری از دیگر اقلام صادراتی برزیل به عراق بود. ساختمان هتل‌های بغداد و بصره «نوتل» را شرکت‌های برزیلی تکمیل کردند و در مورد فروش کابل تلفن، لوله‌های آبی آ و ابزارهای حفاری و خاکبرداری نیز در حال مذاکره بودند.» بنا بر نوشته این کتاب، «برزیلی‌ها سعی خود را می‌کردند که فرآورده‌های صادراتی شان سالم به مقصد برسد. هر چه باشد مقصد در منطقه جنگی قرار داشت. اوج این تلاش بنا به گزارش سالانه ۱۹۸۴، هنگامی بود که اینترپراس یک محموله بزرگ گوشت را از برزیل با کشتی به ترکیه فرستاد و از آنجا کاروانی از کامیون‌های یخچال دار را کرایه کرد تا از راه خشکی کالا را به عراق برسانند... این معامله سوای خریدهای تسلیحاتی عراق از برزیل بودند که در سال ۱۹۸۴ به شکل بی‌سابقه‌ای توسعه یافتند.» حال می‌توان متوجه شد که برزیل چگونه توانست بدهی‌های خود را بازپرداخت کند و اقتصاد خود را نجات دهد و در دهه ۱۹۹۰ خود را در میان کشورهای نوظهور جهان جای دهد. تقریباً عمده آن به بهای جنگ عراق با ایران بود.

در گفت‌وگو با فرشاد مؤمنی صاحب‌نظر اقتصادی بررسی شد

چگونه ایران در سیاست‌های اقتصادی در زمان جنگ موفق بود؟

فرشاد مؤمنی
خبرنگار

مرور دوران جنگ و حماسه مردم و سیاست‌های مسئولان برای تأمین مایحتاج روزانه در آن روزگار در تاریخ ایران کم نظیر است. دورانی که با وجود تحریم، جنگ و دشمنی همسایگان با ایران، باز هم اقلام ضروری به حد نیاز در سبد خانوار وجود داشت و مردم با گرانی لحظه‌ای و واژه تورم نگرشکن بیگانه بودند. روزگاری که از رانت و فساد مالی خبری نبود و امور جاری کشور در آن سال‌های سخت با شفافیت بزرگ‌مدان این آب و خاک اداره می‌شد. آنگونه که فرشاد مؤمنی خاطره‌هایش را ورق می‌زند و می‌گوید یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های در زمان جنگ محرم بودن مردم بود و اینکه فرصت هرگونه سودجویی گرفته شده بود. او که دستیار مرحوم میر مصطفی عالی نسب (مشارور اقتصادی نخست‌وزیر) بوده است، گفت: در آن دوره ما برای امر تصمیمی از تفکر و دیدگاه تمام کارشناسان استفاده می‌کردیم و هیچ زمان گروه و جناح خاصی بر یکدیگر برتری نداشت. در ادامه مصاحبه روزنامه «ایران» با فرشاد مؤمنی، رئیس مؤسسه دین و اقتصاد آمده است:

■ **در جنگی که ایران پشت سر گذاشت یکی از مهم‌ترین نکته‌ها که همواره به آن اشاره می‌شود، وضعیت مناسب معیشت مردم بود. در حالی که کشور در سخت‌ترین شرایط جنگی بود و تحریم‌های پرفشاری هم وجود داشت دولت وقت چگونه مسائل معیشتی مردم را دنبال می‌کرد که شاهد نوسان قیمت و فعالیت‌های گسترده دلال گونه نبودیم؟**

یکی از مسائل بسیار حیاتی که عموم متفکران برجسته و ممتاز توسعه پر آن تأکید دارند اهمیت و ضرورت ژرف کاوی در تجربه‌های تاریخی است در واقع مخزن الاسرار راه‌های عبرت‌گیری و برور رفت از یکی از کانون‌های اصلی گرفتاری‌های کشور ما بویژه در عرصه مدیریت اقتصادی این است که سیاست‌گذاران خودشان را از کانون بزرگ معرفت محروم کردند. در بحث‌های نظری در مورد منزلت تاریخ در اندیشه اقتصادی گفته می‌شود که نازلترین سطح راهگشایی معرفت تاریخی این است که تاریخ را به مثابه آینه عبرت در نظر بگیریم اما سطوح بالاتری از آن هم وجود دارد مثلاً اقتصاددانی در استاندارد شومپتر که یکی از بزرگترین اقتصاددان‌های تاریخ در اندیشه اقتصادی گفته می‌شود که این است که تاریخ را به مثابه آینه عبرت وجود دارد مثلاً اقتصاددانی در استاندارد شومپتر که یکی از بزرگترین اقتصاددان‌های تاریخ این علم محسوب می‌شود تصریح می‌کند که نگاه از منظر تاریخی به امر اقتصاد، به ما کمک می‌کند که از نگرش‌های انتزاعی و نگرش‌های ایستنا نجات پیدا کنیم.

وقتی که شما جهت‌گیری‌های سیاسی اقتصادی در ایران بویژه طی ۱۵ سال گذشته را مرور می‌کنید می‌بینید که این انتزاعی‌گری، انتزاعی‌نگری و این وابستگی بزرگترین آفت قاعده‌گذاری‌های اقتصادی در ایران است و با کمال تأسف از جنبه روش شناختی این برمی‌گردد به یک سری تحلیل‌های بسیار سطحی از مفهوم بازار. اقتصاد شناس‌های بزرگ دنیا تصریح می‌کنند که در طول تاریخ بشر آن گونه‌ای خاص از بازار که به‌نام بازار رقابتی کامل مطرح است فقط یکبار عبیت پیدا کرده است و آن یک بار هم در کتاب‌های درسی بوده است. ولیکن الآن ایران ۳۰ سال است که به شکل بسیار پررنگ از سطح نظام سیاستگذاری اقتصادی خودش باتوهم اینکه شرایط ایران شرایط بازار رقابت کامل است قاعده‌گذاری می‌کنند.

فیلدسون بزرگ این علم امروز به ما می‌گویند که ما با یک گونه از بازار به‌صورت منحصر و منفرد رو به رو نیستیم و به اعتبار شیوه‌های متفاوت پشتیبانی نهاد از بازار، ما بای‌شمار بازارهای گوناگون رو به رو هستیم. متفکران بزرگی در استاندارد آماریتیا کومار سن اقتصاددان و فیلسوف برجسته هندی و جوزف استیگلیتز برنده نوبل اقتصاد، نشان دادند که بعضی از گونه‌های بازار خصلت فاجعه‌آفرینی دارند، بعضی گونه‌های دیگر به‌صورت نظام وار نابرابری‌های شکنندگی را تحمیل می‌کنند و برخی دیگر از گونه‌های بازار هستند که نه تنها ما را به سمت کارایی و بهیچگی هدایت نمی‌کنند بلکه نیروی محرکه اتلاف و اسراف‌های بسیار بزرگ می‌شوند. ما باید به این فهم نظام قاعده‌گذاری کشور بعد از ۳۰ سال تجربه مخرب و پرهزینه، کمک کنیم که اصلاح شود.

وقتی که عنوان می‌شود در هشت سال جنگ تحمیلی مردم در بحث معیشت خود آرامش داشتند با مثال‌هایی می‌توان از این موضوع رمزگشایی کرد و امیدوار بود که این رمزگشایی‌ها مبنای اصلاح توهمات و سیاستگذاری‌های نادرست و اجراهای پر فساد را فراهم کند، در غیر این صورت ما اوضاع بسامانی نخواهیم داشت.

■ **این صحبت‌ها به منزله آن است که گونه‌های درستی از مدیریت بازار دنبال شده است؟**

در حال حاضر چند ماه است که مسئولان گرامی کشور در تلاش هستند که اگر امکان داشته باشد ۵ میلیارد دلار وام از صندوق بین‌المللی پول بگیرند و با وجود اینکه ایران همواره یکی از پاک‌ترین حساب‌ها را در صندوق بین‌المللی پول داشته و یکی از قدیمی‌ترین مؤسسان محسوب می‌شود، هنوز موفق نشده است وام دریافت کند. این در حالی است که به اسم ثبات بخشی



فرشاد مؤمنی / ایران

حضور چهره‌هایی چون استاد فقید میر مصطفی عالی نسب و دکتر حسن عابدی جعفری و آنهایی که ناشناخته هستند، بیشترین دقت‌ها در قاعده‌گذاری‌ها صورت می‌گرفت. در حدی که برای ما مقدور بود قبل از اتخاذ هر گونه تصمیم، از کل بدن کارشناسی نظر خواهی صورت می‌گرفت، حتی تحت راهنمایی استاد مرحوم عالی نسب، جلسات پرشمار و طولانی با طیف‌های مختلفی که تجربه و دانایی در این زمینه داشتند در نخست‌وزیری برگزار می‌کردیم و برآیند همه این تلاش‌ها برای یکپارچه‌سازی دانش‌های برانکده به قاعده‌گذاری ختم می‌شد.

■ **این در حالی است که در زمان جنگ تمرکز دولتمردان بر تولید و کمک به تولیدکنندگان**

طلا در دوره جنگ به پایین‌ترین سطح تجربه شده تاریخی خود در کل دوره نفتی کشور رسیده است و از این نظر تنها با دوره نهضت ملی شدن نفت و سیاست‌های مدیرانه زنده یاد دکتر محمد مصدق قابل مقایسه است.

یک دوره تقریباً ایستنا دیگری هم در دهه ۴۰ وجود داشت که از نظر راکاوی تحلیلی از منظر اقتصاد سیاسی واجد درس‌های متعدد است. در سه دوره یاده شده یک بخش مشترک بوده و آن در اولویت قرار گرفتن تولید بوده است. مهم‌ترین و کلیدی‌ترین عنصر

وقتی که تولید در اولویت قرار می‌گیرد رعایت بخش‌ها شده و پرنفوذترین نهاد حامی بخش خصوصی در نیمه سال ۹۷ گزارشی درباره تحولات بخش مسکن در ایران منتشر کرده است و در آن تصریح می‌کند که در حالی که

■ **در دوره ۸ ساله جنگ تحمیلی فضا برای فعالیت رانت خواران مهیا نبود یا اینکه**

در دوران دفاع مقدس هم چهره‌هایی چون مرحوم حبیب‌الله عسگراولادی، احمد توکلی و مرتضی نبوی حضور داشتند و همچنین چهره‌هایی چون عابدی جعفری، بهزاد نبوی و محمد سلامتی حضور داشتند، یعنی به‌هیچ و اینکه گونه نبود که کشور ملک طلق یک گروه خاص دیده شود. برای همه حق به رسمیت شناخته و جایگاه در نظر گرفته شد

رانت خواران به شکل و شمایل فعلی ظاهر نشده بودند؟

ما باید همه ابعاد را با هم در نظر بگیریم؛ یک کتاب درخشان و ممتازی در سال ۲۰۱۴ توسط جوزف استیگلیتز (برنده جایزه نوبل اقتصاد) منتشر شد که خوشبختانه توسط مؤسسه پژوهشی تأمین اجتماعی به همت خاتم زهرا گریمی به فارسی برگردانده شده و تحت عنوان «ضرورت بازنگری قوانین اقتصادی» است.

استیگلیتز با استناد به تجربه‌های قاعده‌گذاری امریکایی نشان داده که یک خطای سیاستگذاری می‌تواند بین ۳ تا ۵ دهه آثار مخرب اش استمرار داشته باشد؛ بنابراین اوتامام سیاستگذاران جهان را فرا می‌خواند و واسطه‌گری مهیا شده بود. در آن دوره سهم تجارت پول که به بیان محترمانه رباخواری است در اقتصاد ایران به سمت صفر میل کرده بود. به‌گواه مطالعه درخشان و ممتاز دکتر عباس شاکری در کتاب «مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران» (تنها کتاب تاریخ دانشگاهی است که توانست جایزه‌های نادرست را به خود اختصاص دهد) تصریح شده است که از کل نقدینگی دوره جنگ، بالغ بر ۵۲ درصد هزینه‌اش برای اقتصاد ملی صفر بوده است؛ یعنی انگیزه‌های سوداگری روی پول، مسکن، دلار و

من در خطابه‌ای که چند سال پیش (در زمان ماجرای سپنتا نیکمان؛ منتخب زرتشتی شورای شهر یزد) برای شورای نگهبان ارسال کرده بودم، توضیح دادم و گفتم با وجود اینکه من شخصاً جزو منتقدان جدی جهت‌گیری‌های اقتصادی دولت آقای خاتمی بودم ولی وقتی کارنامه آنها را با کارنامه دولت احمدی‌نژاد مقایسه می‌کنم می‌بینم که تفاوت خیلی بزرگی اتفاق افتاده است و وقتی از این مسأله رمز گشایی می‌کنیم می‌بینم که در دوره خاتمی توزیع قدرت به طور نسبی عادلانه‌تر شده بود. اگر رویه‌های حذف و ستیز جای همکاری و اعتلا بخشی را بگیرد همه ضرر خواهند کرد.

■ **در زمان ۸ سال جنگ تحمیلی میزان واردات کالا به کشور به‌خاطر شرایط جنگ و تحریم زیاد نبود و از سویی مرتب زیرساخت‌های کشور از بین می‌رفت با وجود این چگونه دولت وقت موفق شد اقتصاد را مدیریت کند؟**

در بحث‌های مقدماتی عنوان شد که مهم‌ترین عنصر این است که ما اقتصاد را انتزاعی نبینیم و اقتصاد را در تعامل با فرهنگ، سیاست و اجتماع ببینیم و نکته کلیدی این است که نگرش‌ها ایستا نباشد؛ پویایی‌های تغییر شرایط را به‌موقع درک کنیم و سپس با رویه‌های اصولی این امر را در دستور کار قرار دهیم.

■ **در آن دوره این موارد رعایت شده است؟** در دوره جنگ به‌صورت سیستمی این موارد رعایت می‌شد، به‌عنوان مثال وقتی در شرایط جنگی توجیه برای پنهان کاری هزاران برابر نسبت به دوره شرایط غیر جنگی فراهم‌تر است یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای حکمرانی در تاریخ اقتصادی صد ساله نفتی در ایران در دوره جنگ رخ داد و رئیس وقت دولت (میرحسین موسوی) در آن زمان با آنکه اقام قانونی هم وجود نداشت به‌صورت داوطلبانه به رئیس وقت مجلس (هاشمی رفسنجانی) نامه نوشتند و گفتند باید همان‌طور که تخصیص‌های ریالی حکومت بر اساس رأی نمایندگان مردم تعیین تکلیف می‌شود، تخصیص‌های دلاری هم تابع آن قاعده باشد. یعنی ایشان داوطلبانه از اختیارات خودشان هر جور که می‌خواستند می‌توانستند منابع ارزی را تخصیص دهند، صرف نظر و این را تقدیم مجلس کردند. از آنجا که به قاعده دریات‌های ویژه شهید بهشتی و به قاعده مردم سالاری‌های پیشرفته دنیا هر چیزی که حقوق مردم در آن مطرح است باید شفاف شود، قانون اساسی ما اینگونه پیش‌بینی کرده است که هر امری که در کانال مجلس قرار می‌گیرد، به لزوم شفاف می‌شود.

به محض اینکه در ساخت یک اقتصاد سیاسی رانتی شکار کانون اصلی رانت یعنی دلارهای نفتی را از نظر نحوه تخصیص ارزی از تخصیص دهند، صرف نظر و این را تقدیم مجلس کردند. از آنجا که به قاعده دریات‌های ویژه شهید بهشتی و به قاعده حقوق مردم در آن مطرح است باید شفاف شود، قانون اساسی ما اینگونه پیش‌بینی کرده است که هر امری که در کانال مجلس قرار می‌گیرد، به لزوم شفاف می‌شود.

به محض اینکه در ساخت یک اقتصاد سیاسی رانتی شکار کانون اصلی رانت یعنی دلارهای نفتی را از نظر نحوه تخصیص ارزی از تخصیص دهند، صرف نظر و این را تقدیم مجلس کردند. از آنجا که به قاعده دریات‌های ویژه شهید بهشتی و به قاعده حقوق مردم در آن مطرح است باید شفاف شود، قانون اساسی ما اینگونه پیش‌بینی کرده است که هر امری که در کانال مجلس قرار می‌گیرد، به لزوم شفاف می‌شود.

پس مسأله این است که مردم را محرم بدانیم یا ندانیم؛ که در زمان جنگ دولت مردم را محرم دانست و نتیجه این شد که باکدام‌ترین دولت در تاریخ اقتصادی ایران شکل گرفت و یک رکن بزرگ این دستاورد حیرت انگیز این بود که کانون اصلی توزیع ثروت و ثروت‌های مختلف فکری در دولت حضور داشتند و تصمیم‌های که گرفته می‌شد برآیند عقلای همه دیدگاه‌هایی بود که عرصه می‌شد. متأسفانه در دوره بعد از جنگ، کسانی که می‌خواستند رانت، فساد و ناکارآمدی‌های خود را توجیه کنند به این نکته‌ها توجیه نمی‌کنند. در دوران دفاع مقدس هم چهره‌هایی چون مرحوم حبیب‌الله عسگراولادی، احمد توکلی و مرتضی نبوی حضور داشتند و همچنین چهره‌هایی چون عابدی جعفری، بهزاد نبوی و محمد سلامتی حضور داشتند، یعنی به‌هیچ وجه اینگونه نبود که کشور ملک طلق یک گروه خاص دیده شود. برای همه حق به رسمیت شناخته و جایگاه در نظر گرفته می‌شد. وقتی که شما کوشش‌های نظری سطح بالا را مطالعه می‌کنید متوجه می‌شوید که اتفاق نظر بین متفکران توسعه وجود دارد مبنی بر اینکه هیچ عنصری به اندازه توزیع عادلانه قدرت، نقش تعیین کننده در سرنوشت عملکرد اقتصادی ندارد.

در دوران وزارت عابدی جعفری برای اولین بار در دوران چهل ساله گذشته ما شاهد این هستیم وزارت بازرگانی وجه همت اصلی‌اش این است که به جای اینکه محمل کسب رانت برای دلال‌ها و واردکنندگان باشد نظام بازرگانی کشور را بر محور ارتقای بنیه تولیدی کشور، تجدید سازمان کرد. برای اولین بار در آن دوره است که صنوف تولیدی هویت مستقل پیدا می‌کنند. برای اولین بار معاونت پشتیبانی از تولید در وزارت بازرگانی شکل می‌گیرد و نظام توزیعی اولیه خوش‌را بازاربایی برای تولیدات داخلی اعلام می‌کند.